

عدم تعادل جنسیتی در ساختار شغلی ایران

حجیه بی بی رازقی نصرآباد،^۱* محمد رضا کارگر شورکی^۲

^۱ دانشگاه تهران

^۲ وزارت کار و امور اجتماعی

چکیده. در دو دهه‌ی اخیر به همراه تغییراتی که در شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع به وقوع پیوسته، استفاده از نیروی کار زنان، به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در زمینه‌ی توسعه مطرح شده است. در ایران تحولات اقتصادی و اجتماعی ایجادشده طی دو دهه‌ی اخیر، تغییراتی در میزان مشارکت زنان ایجاد کرده است. بر همین اساس در این مقاله با استفاده از داده‌های سرشماری، وضعیت زنان در بازار کار ایران را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده‌ایم. برآوردها حاکی از این است که میزان‌های مشارکت اقتصادی زنان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ تغییرات قابل توجهی داشته و از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. با این حال برآوردها بیانگر وجود تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نرخ مشارکت و بیکاری زنان و مردان است و بازار کار ایران از جهت میزان مشارکت، میزان بیکاری، تنوع شغلی و سطوح عمودی اشتغال دچار عدم تعادل جنسیتی به نفع مردان است.

۱- مقدمه

در دو دهه‌ی اخیر به همراه تغییراتی که در شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع به وقوع پیوسته، استفاده از نیروی کار زنان، به‌عنوان یکی از مباحث اساسی در زمینه‌ی توسعه مطرح شده است. در حال حاضر زنان بخش مهمی از نیروی کار هستند که به اقتصاد محلی، ملی و جهانی کمک می‌نمایند. در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین زنان یک سوم نیروی کار رسمی را تشکیل می‌دهند [۲۶] و توانسته‌اند در بخش‌هایی نظیر تولید،

واژگان کلیدی: اشتغال؛ بازار کار؛ بخش‌های عمده‌ی فعالیت اقتصادی؛ تمیض افقی و عمودی؛ زنان.

دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۶، پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۲۴

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

بازاریابی کالاهای مصرفی، بانک‌داری تجاری، خدمات بیمه، مالی، خدمات اطلاعاتی، ارتباطات و حمل و نقل ظاهر شوند. به دنبال انتقال جوامع از اقتصاد وابسته به کشاورزی، به اقتصاد صنعتی، نوع فعالیت و محل کار زنان نیز تغییر یافته است. همچنین لیبرالیسم اقتصادی و باز شدن مرزهای کشورها در راستای توسعه‌ی سازمان جهانی تجارت باعث راه یافتن زنان به فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی گشته است [۲۳].

رسیدن به رشد بالا و توسعه‌ی بهتر اقتصادی از جمله اهداف مهمی است که همه‌ی اقتصادها در پی دستیابی به آن هستند، اما دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی نیازمند شناخت عوامل و امکانات بالقوه و به‌کارگیری درست آن‌ها است. تغییر ساختار سنی جمعیت که در نتیجه‌ی تغییر نرخ رشد جمعیت به وجود می‌آید، می‌تواند اثرات مهم و تعیین‌کننده بر رشد اقتصادی داشته باشد. تغییر ساختار سنی جمعیت از راه‌های مختلف بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از یک طرف با تغییر سهم جمعیت در سن کار از کل جمعیت، بازار نیروی کار را متأثر می‌سازد و از طرف دیگر مصرف و در نتیجه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نگاهی به ساختار هرم سنی و جنسی جمعیت ایران در سه دهه‌ی اخیر تأیید می‌کند که جمعیت ایران در این دوره به دلیل کاهش سطح باروری، ساخت جمعیت جوان را ترک و گذار به سوی ساخت سالمند را آغاز کرده است. بر اساس اطلاعات سرشماری در سال ۱۳۶۵ بزرگ‌ترین گروه سنی جمعیت کشور گروه سنی صفر تا ۴ ساله بوده که بازماندگان مولید سال‌های ۶۵-۶۱ هستند و بیش از $\frac{18}{3}$ درصد از جمعیت در این سال در این گروه سنی قرار گرفتند. ده سال بعد در سال ۱۳۷۵ این جمعیت در گروه سنی ۱۴-۱۰ سال قرار داشت و بزرگ‌ترین گروه سنی جمعیت را تشکیل می‌داد. آثار کاهش باروری در سال‌های دهه‌ی ۶۵-۷۵ در جمعیت سنین کمتر از ۱۰ سال مشهود است. جمعیت ۱۴-۱۰ سال، سال ۱۳۷۵، در ۲۴-۲۰ سالگی در سال ۱۳۸۵ قرار دارند و همچنان بزرگ‌ترین گروه سنی جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و $\frac{12}{77}$ درصد از جمعیت کشور در این گروه سنی قرار دارد. نتیجه‌ی بحث این است که سطح بالای باروری جمعیت در سال‌های ۶۵-۶۰ و کاهش باروری ۶۵-۷۵ موج بزرگی را در ساختمان سنی جمعیت ایران ایجاد کرده و اینک این انبوه جمعیت، به سن کار رسیده است. در این دوره به همراه دسترسی بیشتر زنان به

آموزش، کشور با حجم وسیعی از ذخیره‌ی نیروی کار زنانه که در جستجوی کار هستند مواجه شده است. تغییر ساختار سنی جمعیت به نفع جمعیت در سن کار که به هدیه‌ی اقتصادی و یا پنجره‌ی جمعیتی تعبیر می‌شود، اثر مثبت بر رشد درآمد سرانه خواهد داشت، اما اگر رشد نیروی کار شاغل از رشد جمعیت در سن کار کمتر باشد، اثری منفی بر درآمد سرانه خواهد داشت. در حال حاضر نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند اما نسبت کمی از جمعیت شاغل به زنان تعلق دارد. چنانچه این جمعیت در سن کار بتواند وارد بازار کار شده و شاغل شود می‌تواند اثرات مثبت بر رشد اقتصادی داشته باشد.

تقریباً در بیش‌تر کشورهای صنعتی بیش‌تر مادران، وارد بازار کار می‌شوند. با این وجود زنان، مخصوصاً آن‌هایی که بچه دارند، دسترسی برابری به مشاغل و دستمزد خوب نداشته‌اند و ممکن است هنوز با سطوح بالایی از فقر روبرو باشند. زنانی که مادر هستند با جریمه‌های زیادی در محیط کار در زمینه‌ی استخدام و دستمزد روبرو هستند [۶]. حتی در کشور سوئد که شرایط شغلی زنان در وضعیت مطلوبی است، تبعیض شغلی میان زنان و مردان در مقیاس وسیعی به چشم می‌خورد [۲۱]. تحقیقات زیادی نشان دادند که در مقایسه با مردان تعداد نسبتاً کمی از زنان در سمت‌های شغلی بالا قرار دارند ([۱۵]؛ [۱۸]؛ [۲۰]؛ [۲۲]). با بالا رفتن رتبه‌ی شغلی، سهم زنان کاهش می‌یابد. مطالعه‌ای در دانشگاه پنسیلوانیا نیز نشان داد که درصد زنان در هیئت مدیره‌ی ۲۵ شرکت بزرگ در سال ۲۰۰۳ تنها ۰/۹ درصد بوده است [۱۶]. همچنین شواهدی از آسیا وجود دارد که زنان ازدواج کرده از تبعیض در مقابل زنان مجرد رنج می‌برند. این تبعیض ممکن است با توجه به سطوح تحصیلی یا سن کارگران تفاوت کند. از طرف دیگر، در زمان رکود اقتصادی، از آن‌جا که میزان عرضه‌ی نیروی کار از تقاضای آن پیشی می‌گیرد، اولین گروهی که کار خود را از دست می‌دهند معمولاً زنان هستند [۶]. زنان در بازار کار ایران نیز دور از این شرایط نیستند. نتایج مطالعات بیانگر این است که در ایران ساختار خانواده که عمدتاً بر تفاوت‌های جنسیتی استوار است، در دهه‌های اخیر بر اثر افزایش آگاهی و موقعیت تحصیلی زنان با چالش‌های زیادی روبرو گشته است. همچنین شاهد تغییرات زیادی در ارزش‌ها و نگرش‌های خانواده، مناسبات خانوادگی و بهبود موقعیت اقتصادی-اجتماعی

می‌باشیم. این عوامل باعث شده است تغییراتی در میزان مشارکت زنان به وجود آید. با این حال علی‌رغم این که اندیشمندان و سیاست‌گذاران مدعی این هستند که به تحصیلات و اشتغال زنان توجه دارند، در عمل هنوز تعداد زنان شاغل به نسبت مردان بسیار کم است ([۷]؛ [۱۲]؛ [۱]؛ [۵]). فراستخواه [۵] با بررسی‌ای که انجام داد به این نتیجه رسید که بازار کار نیروی انسانی متخصص هم در عرضه و هم در تقاضا (به ویژه در تقاضا) دچار عدم تعادل شدید جنسیتی به زیان زنان است. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که چرا زنان در مقابل مردان دسترسی نابرابری به فرصت‌های شغلی و درآمد پایین‌تری دارند؟ در ایران قانون مدنی بر وجود کانون گرم و آرامی تأکید دارد که اساس آن بر اقتدار شوهر و پدر استوار است. و نقش مادری و کارهای خانگی بر عهده‌ی زن و کار خارج از خانه بر عهده‌ی مرد است و مرد نان‌آور خانواده محسوب می‌شود [۲]. شادی‌طلب و کمالی [۳] در مطالعه‌ای به بررسی مشارکت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. یافته‌های مطالعه‌ی این نویسندگان بیانگر این است که تنگناهای ساختاری و خانوادگی از بارزترین موانع مشارکت اجتماعی زنان بوده است. کشاورز [۸] در مطالعه‌ی خود تحت عنوان «حریم حساس اشتغال زنان» به این نتیجه رسید که در فرهنگ مسلط مرد سالار، تأکید بسیار بر نقش مادری موجب رانده شدن زنان به خانه‌ها می‌شود. به نظر وی تسلط فرهنگ مرد سالاری موانع بزرگی در راه اشتغال زنان به وجود آورده است. در این مقاله پس از بررسی نظریه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار با استفاده از اطلاعات آماری موجود، وضعیت زنان و مردان در بازار کار ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری

عوامل مختلفی ممکن است دسترسی زنان را به بازار کار محدود کند، و یا هزینه‌های ورود به آن را افزایش دهد. از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ ادبیات تجربی و نظری قابل توجهی در مورد بازار کار و تبعیض (بر حسب جنسیت و دیگر متغیرها) و تعیین وضع نامساعد زنان در بازار کار بر اساس مطالعات در مورد بازار کار کشورهای در حال توسعه پدیدار گشته است از این جمله سه دسته نظریه اهمیت بیشتری دارند که عبارت‌اند از: نظریه‌های نئوکلاسیک، نظریه‌های تجزیه شدن و نظریه‌های جنسیتی [۶].

۱-۲- نظریه‌های نئوکلاسیک

در نظریه‌های نئوکلاسیک برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعات کار، غیبت از کار و جابه‌جایی در کار تأکید می‌شود که این متغیرها بهره‌وری کار و عرضه‌ی کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از فرض‌های اساسی اقتصاددانان کلاسیک این است که در شرایط رقابتی به کارگران مزدی معادل ارزش نهایی محصول پرداخت می‌شود. مبتنی بر این فرض، درآمد زنان به این علت کمتر از مردان است که زنان از سرمایه‌ی انسانی کمتری که مهم‌ترین آن‌ها آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و تجربه‌ی شغلی است، بهره‌مند می‌شوند و از این رو بهره‌وری کار پایین‌تری هم دارند. به‌عنوان مثال گفته می‌شود به‌دلیل این که بعضی از زنان برای ازدواج، حاملگی و پرورش کودک، شغل خود را ترک می‌کنند، تجربه‌ی شغلی کمتری از مردان به دست می‌آورند و شدت فرسایش مهارت‌های آنان بیشتر است.

۲-۲- نظریه‌های تجزیه شدن بازار کار

این نظریه‌ها بازار کار را به‌عنوان مجموعه‌ای می‌بیند که موانع سازمانی، آن را به بندها یا قسمت‌های مختلفی تقسیم کرده است. یکی از معروف‌ترین نظریه‌های تجزیه شدن بازار کار، نظریه‌ی بازار کار دوگانه است که بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می‌شود. مشاغل کار که از لحاظ پرداخت مزد، تأمین بیش‌تر و فرصت‌های پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارند و در آن‌ها مهارت کارگران، خاص و متناسب با احتیاج مؤسسه است و در نتیجه‌ی نیاز کارفرما به ثبات، مزدهای بهتری به نیروی کار پرداخت می‌شود. مشاغل بخش دوم با مزد کم، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت روبرو است. در مشاغل بخش اول ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابه‌جایی بیش‌تری که در زنان مشاهده می‌شود به این معنا است که احتمال جذب آن‌ها به مشاغل بخش دوم زیادتر است. از این رو حتی اگر کیفیت نیروی انسانی قبل از ورود به شغل برابر باشد، احتمال به کار گماردن مردان در مشاغل بخش اول، که امکان پیشرفت بعدی در آن‌ها از لحاظ مزد، آموزش حرفه‌ای و

ترفیع زیادت‌تر است، بیش از زنان می‌باشد. این نظریه می‌تواند تبعیض جنسی شغلی عمودی را تبیین کند؛ به این معنی که در یک شغل مشابه، مردان از موقعیت بالاتری نسبت به زنان بهره‌مند می‌گردند.

۲-۳- نظریه‌های جنسیتی

به نظر می‌رسد نظریه‌های فوق پایگاه فرضی زنان در خانه و جامعه را در نظر می‌گیرند و می‌کوشند از این طریق توجیهی برای وضع نامساعد آنان در بازار کار ارائه نمایند. نظریه‌های جنسیت موقعیت فرودست زنان در بازار کار و در خانه و خانواده را با یکدیگر مرتبط و آن را جزئی از یک سیستم کلی اجتماعی می‌داند که در آن زنان تابع مردان هستند. یکی از موضوعات کلیدی در نظریه‌های جنسیت، اختصاص کار خانگی به‌ویژه مراقبت از کودک، به زنان است. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که گرایش به مشاغل زنانه انعکاسی از نقش‌های خانگی زنان است و مانند کارهای خانگی این مشاغل نیز کم‌ارزش هستند.

به نظر بسیاری از کارفرمایان، زنان نسبت به مردان غیبت، مرخصی و جابه‌جایی بیش‌تری دارند. به همین دلیل کارفرمایان در خصوص پرداخت مزد و انتصاب شغل، رفتار نابرابرشان با مردان و زنان را با توجه به تفاوت‌های جنسیتی توجیه می‌کنند. همچنین به دلیل قدرت جسمی پایین و ناتوانی در نظارت و سرپرستی، زنان را برای برخی مشاغل نامناسب می‌دانند [۶]. این نظریه نیز می‌تواند تبعیض جنسی شغلی افقی و محدودیت تنوع شغلی زنان را به خوبی تبیین کند. با توجه به این نظریات، وضعیت زنان در بازار کار و عدم تعادل جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- نگاهی به وضعیت اشتغال در ایران

تعداد جمعیت ۱۰ سال به بالای کشور در سال ۱۳۸۵، ۵۹۵۲۲۷۴۷ نفر است که نزدیک به نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند. همان‌طور که در جدول ۱ می‌بینیم، در کل کشور تعداد ۲۳۴۶۸۶۹۳ نفر (۳۹/۴۳ درصد) به لحاظ اقتصادی فعال هستند در میان

جمعیت فعال نیز ۲۰۴۷۶۳۹۵ نفر (۸۷/۲۵ درصد) شاغل و ۲۹۹۲۲۹۸ نفر (۱۲/۷۵ درصد) بیکار در جستجوی کار هستند. در میان مردان نیز ۱۹/۸۹ درصد شاغل و ۱۰/۸۱ درصد بیکار هستند. در میان زنان نیز ۷۶/۶۵ درصد شاغل و ۲۳/۳۵ درصد بیکار هستند.

جدول ۱- تعداد جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر و جمعیت فعال در سرشماری ۱۳۸۵ به تفکیک جنس

جنس	جمعیت ۱۰ ساله و بیش تر			جمعیت فعال از نظر اقتصادی	
	تعداد	درصد شاغل	درصد بیکار	تعداد	درصد بیکار
کل	۵۹۵۲۲۷۴۷	۸۷/۲۵	۲۳۴۶۸۶۹۳	۱۲/۷۵	
مردان	۳۰۲۴۴۲۷۰	۱۹/۸۹	۱۹۸۳۹۵۷۸	۱۰/۸۱	
زنان	۲۹۲۷۸۴۷۷	۷۶/۶۵	۳۶۲۹۱۱۵	۲۳/۳۵	

منبع: مرکز آمار ایران

در سال ۱۳۸۵ از کل شاغلان ۲۲/۲۷ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۵۱ درصد در بخش صنعت و ۴۸/۷۳ درصد در بخش خدمات مشغول هستند. جدول ۲ سهم شاغلین را در بخش‌های مختلف اقتصادی در سال‌های مختلف نشان می‌دهد. مبتنی بر یافته‌های این جدول همراه با تحول در تولید، سهم بخش‌های اقتصادی در جذب نیروی کار متحول شده و ظرفیت جذب نیروی کار در بخش کشاورزی به تدریج کاهش و در بخش صنعت و خدمات افزایش یافته است.

جدول ۲- توزیع شاغلین ۱۰ ساله و بیش تر کشور بر حسب سه بخش عمده‌ی

فعالیت اقتصادی در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵

بخش‌های عمده‌ی فعالیت	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵
کشاورزی	۲۹/۰۰	۲۴/۴۸	۲۳/۰۴	۲۲/۲۷
صنعت	۲۵/۲۸	۲۷/۶۱	۳۰/۷۰	۲۶/۵۱
خدمات	۴۲/۴۵	۴۳/۶۲	۴۴/۵۰	۴۸/۷۳
فعالیت‌های نامشخص و اظهار نشده	۳/۲۷	۴/۲۹	۱/۷۶	۲/۴۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران

سودآوری بخش خدمات، مخاطرات کمتر آن نسبت به بخش صنعت و کشاورزی، ارزان‌تر بودن ایجاد فرصت‌های شغلی در این بخش و نیاز به نیروی کار نیمه ماهر از جمله

ویژگی‌های این بخش اقتصادی است که ظرفیت اشتغال‌زایی آن را افزایش داده است [۱۳].

جدول ۳ مقایسه‌ی توزیع شاغلین مرد و زن را در سه بخش عمده‌ی اقتصادی در ایران و سطح جهانی و کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود در ایران مانند سایر مناطق، بخش خدمات نسبت به سایر بخش‌ها سهم بیش‌تری از شاغلین را به خود اختصاص داده است. البته در ایران در مقایسه با سطح جهانی نسبت زنان در بخش خدمات، بیش‌تر از بخش صنعت و کشاورزی است. در سطح جهانی در سال ۲۰۰۶، در بخش کشاورزی ۳۷/۵ درصد، در بخش صنعت ۱۷/۲ درصد و در بخش خدمات ۴۵/۳ درصد، شاغل هستند. در ایران در این سال ۱۴/۴۶ درصد در بخش کشاورزی، ۲۵/۱۱ درصد در بخش صنعت و ۶۰/۴۴ درصد در بخش خدمات مشغول بوده‌اند. نتایج جدول حاکی از این است که در تمام مناطق، گسترش اشتغال در بخش خدمات باعث افزایش تقاضا برای کار زنان شده است و در واقع گسترش بخش خدمات، فرصتی را برای افزایش مشارکت زنان فراهم کرده است.

جدول ۳- توزیع شاغلین در بخش‌های عمده‌ی اقتصادی در مناطق مختلف جهان به تفکیک جنسیت در سال ۲۰۰۶

بخش‌های عمده‌ی فعالیت	کشاورزی		صنعت		خدمات	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
جهان*	۳۵/۲	۳۷/۵	۲۴/۹	۱۷/۲	۳۹/۹	۴۵/۳
کشورهای توسعه‌یافته و اتحادیه‌ی اروپا*	۴/۸	۳/۴	۳۴/۴	۱۲/۷	۶۰/۹	۸۴
خاور میانه*	۱۳/۱	۳۲/۳	۲۸/۲	۱۸/۲	۵۸/۷	۴۹/۵
ایران**	۱۸/۵۶	۱۴/۴۶	۳۲/۷۵	۲۵/۱۱	۴۸/۶۹	۶۰/۴۴

منبع: * سازمان بین‌المللی کار [۱۹]، ** مرکز آمار ایران

۴- تحولات میزان مشارکت و بیکاری زنان و مردان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵

نرخ مشارکت نیروی کار که نشان‌دهنده‌ی میزان مشارکت جمعیت واقع در سن فعالیت، در فعالیت‌های اقتصادی از طریق بازار کار است و نسبت جمعیت فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر را نشان می‌دهد و همچنین نرخ بیکاری یعنی نسبتی از جمعیت مشارکت‌کننده در بازار کار که به علل مختلف نتوانسته‌اند به اشتغال مناسبی دست یابند، از مهم‌ترین شاخص‌های بازار کار به شمار می‌روند. جدول ۴ میزان مشارکت و بیکاری زنان و مردان در ایران را در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

میزان‌های مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۵ تغییرات قابل توجهی داشته است. این میزان با یک روند کاهشی از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته سپس با یک روند افزایشی به حدود ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. با توجه به تغییرات میزان مشارکت اقتصادی زنان طی این سال‌ها به ارتباط میزان مشارکت با مراحل توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، ارتباط آموزش با میزان مشارکت، ارتباط میزان باروری و میزان مشارکت و عدم تعادل جنسی در تقاضای نیروی کار زنان پی می‌بریم.

جدول ۴- میزان مشارکت و بیکاری زنان و مردان در ایران در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵

سال سرشماری	مردان		زنان	
	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	نرخ بیکاری
۱۳۴۵	۷۷/۴	۹/۳	۱۲/۶	۸/۷
۱۳۵۵	۷۰/۸	۹/۱	۱۲/۹	۱۶/۴
۱۳۶۵	۶۸/۴	۱۲/۹	۸/۲	۲۵/۵
۱۳۷۰	۶۵/۵	۹/۵	۸/۷	۲۴/۴
۱۳۷۵	۶۰/۸	۸/۵	۹/۱	۱۳/۴
۱۳۸۵	۶۵/۶	۱۰/۸	۱۲/۴	۲۳/۳

منبع: مرکز آمار ایران

در میزان مشارکت زنان، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. نرخ مشارکت زنان در بازار کار با گذر از مراحل مختلف توسعه، دچار تغییرات زیادی می‌شود. رابطه‌ی مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی ممکن است U شکل باشد ([۱۷]؛ [۱۰]). در مراحل ابتدایی توسعه، حجم بیش‌تری از فعالیت‌ها در بخش کشاورزی صورت می‌گیرد. در این مراحل زنان به همراه مردان در فعالیت‌های کشاورزی شرکت می‌کنند. در ایران نیز در سال ۱۳۴۵، ۳۹/۱ درصد جمعیت شهرنشین بوده و اکثریت روستائین بوده‌اند که میزان مشارکت در این سال ۱۲/۶ بوده است. اما از سال ۱۳۵۵ به بعد میزان شهرنشینی بر روستائینی پیشی می‌گیرد و به ۵۴/۳ درصد می‌رسد. فرایند توسعه‌ی شهرها و روند توسعه‌ی اقتصادی طی این سال‌ها و پایین بودن سطح سواد و تخصص زنان علی‌رغم نیاز به تخصص و تحصیلات بالا و نبود فرصت‌های کاری مناسب برای زنان، نسبت به سال ۱۳۵۵، ابتدا باعث روند نزولی مشارکت زنان می‌شود به طوری که این میزان طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ افت شدیدی می‌یابد. ولی از ۱۳۷۰ به بعد در مراحل پیشرفت توسعه‌ی اقتصادی - منطبق با نظر گلدین و وار - میزان مشارکت اقتصادی با شیب صعودی در حال افزایش است و این میزان در حال حاضر به نرخ قبلی خود در سال‌های قبل از ۱۳۵۵ نزدیک شده است. تأثیر افزایش تحصیلات زنان بر میزان مشارکت زنان، هم اثر کاهنده و هم فزاینده دارد. با توجه به این که تعداد محصلان دختر در دوره‌ی متوسطه در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۴۷ حدود ۷ برابر شده است [۲۴]، از یک طرف افزایش تحصیلات زنان و سرمایه‌ی انسانی امکان دسترسی بیش‌تر به فرصت‌های شغلی را فراهم کرده است، از طرف دیگر افزایش قابل توجه تعداد محصلان و دانشجویان باعث کاهش حضور زنان در بازار کار طی سال‌های اخیر شده است. اما تأثیر افزایش تعداد محصلان، یک اثر کاهشی کوتاه‌مدت است و در سال‌های آتی و در مراحل بعدی توسعه‌ی اقتصادی با افزایش سطح تحصیلات زنان به همراه توسعه‌ی بخش صنعت و خدمات، در صورت وجود زمینه‌ی مناسب جهت جذب نیروی کار بالقوه‌ی زنان، انتظار می‌رود میزان مشارکت زنان افزایش یابد.

در مجموع نتایج یافته‌ها بیانگر این است که جریان انتقال نیروی کار زنان بین بخش‌های اقتصادی و تطبیق آنان با شرایط توسعه‌ی صنعتی در ایران طولانی است و کم

شدن فاصله‌ی این دوره‌ی زمانی انتقال نیروی کار زنان بین بخش‌های اقتصادی و مطابقت با فرایند توسعه، نیازمند کاهش و حذف موانع ساختاری و فراهم شدن بستر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مناسب است.

نتایج دیگری که از جدول ۴ استخراج می‌شود این است که با افزایش میزان بیکاری مردان، نرخ مشارکت زنان کاهش یافته است. بر طبق داده‌های جدول فوق در سال ۱۳۶۵ میزان بیکاری مردان افزایش ناگهانی داشته است. در همین سال میزان مشارکت زنان کاهش زیادی داشته است. به عبارتی می‌توان گفت در زمانی که وضعیت اقتصادی جامعه نامساعد است اولین گروهی که کار خود را از دست می‌دهند و یا دسترسی آن‌ها به بازار کار محدود می‌شود زنان هستند.

همچنین نتایج جدول بیانگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نرخ مشارکت و بیکاری زنان و مردان است. در تمام این سال‌ها نرخ مشارکت مردان به‌طور محسوسی بالاتر از زنان بوده است. نرخ مشارکت مردان نسبت به زنان در کل دوره‌ی ۷۵-۱۳۵۵ تقریباً ۵ برابر و یا بیش‌تر بوده است. البته در دهه‌ی اخیر میزان مشارکت زنان روند رو به افزایش داشته و از ۹/۱ در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۴ در سال ۱۳۸۵ رسیده است. از جمله دلایل اصلی افزایش مشارکت زنان در سال‌های اخیر کوچک شدن بعد خانوار، افزایش تحصیلات، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش هزینه‌های زندگی و تغییر نگرش جامعه نسبت به حضور زنان در بازار کار است.

علی‌رغم نرخ مشارکت پایین زنان در کشور نسبت به مردان، نرخ بیکاری آنان به مراتب بالاتر از مردان است و این عدم تعادل نیز طی دوره‌ی ۸۵-۱۳۷۵ رو به افزایش گذاشته است. نرخ بیکاری مردان طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۵ از ۸/۵ به ۱۰ درصد رسیده است، در حالی که نرخ بیکاری زنان طی این دوره از ۱۳/۳ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافته است. بهبود نسبی میزان مشارکت زنان در سال‌های اخیر و هم‌زمانی آن با کاهش سریع و غیر قابل انتظار باروری در اواخر دهه‌ی ۶۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۷۰، زمینه را برای بررسی رابطه‌ی میزان مشارکت و باروری ایران در سال‌های اخیر فراهم می‌کند. مطالعات مختلف رابطه‌ی مبهمی را بین وضعیت شغلی و باروری نشان داده‌اند. برخی مطالعات رابطه‌ی منفی بین مشارکت زنان و باروری را نشان داده در صورتی که دسته‌ای دیگر از مطالعات،

هیچ رابطه‌ای را بین این دو نشان نمی‌دهند. تغییرات جمعیتی حاکی از انتقال باروری در ایران است به‌گونه‌ای که میزان باروری کل از حدود $7/7$ فرزند برای هر زن در سال 1345 به $6/3$ فرزند در سال 1355 کاهش یافته است [۱۴]. بعد از این کاهش اولیه، موقتاً وقفه‌ای در انتقال جمعیتی پدید می‌آید و تحت تأثیر شرایط خاص متأثر از رویداد انقلاب اسلامی باروری به $6/9$ افزایش یافته سپس تا سال 1364 روند ثابتی داشته و از این سال به بعد مجدداً روند کاهش باروری آغاز می‌شود و از $6/9$ فرزند برای هر زن در سال 1364 به $5/5$ فرزند در سال 1367 می‌رسد. از این سال به بعد میزان باروری به‌سرعت کاهش می‌یابد و در سال 1379 به $2/17$ می‌رسد [۴]. مقایسه‌ی زمانی میزان باروری و میزان مشارکت نشان می‌دهد که هر زمان که شاهد افزایش باروری زنان هستیم میزان مشارکت زنان پایین است و زمانی که میزان باروری، روند رو به کاهش داشته این نسبت، روند رو به افزایشی داشته است. البته اگر چه کاهش باروری در کنار تغییرات اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور و افزایش تحصیلات زنان، در بهبود نسبی مشارکت زنان در سال‌های اخیر تأثیرگذار بوده، با این حال همچنان شاهد عدم تعادل جنسیتی در بازار کار و شکاف زیاد میان میزان مشارکت زنان و مردان هستیم. میزان مشارکت زنان در ایران در مقایسه با سایر مناطق قابل توجه است. جدول ۵ میزان مشارکت و بیکاری را در مناطق مختلف نشان می‌دهد. در کشورهای توسعه‌یافته میزان مشارکت زنان $52/6$ است. البته در تمام مناطق میزان مشارکت مردان بیش‌تر از زنان است. در سطح جهانی میزان مشارکت مردان $68/5$ و برای زنان $52/6$ درصد است. از این نظر در خاورمیانه نیز نسبت به سایر مناطق، تفاوت چشم‌گیری بین میزان مشارکت مردان و زنان وجود دارد. با این حال شکاف جنسیتی در ایران شدیدتر است.

جدول ۵- میزان مشارکت و بیکاری زنان و مردان در مناطق مختلف در سال ۲۰۰۶

مناطق	میزان مشارکت		میزان بیکاری	
	مردان	زنان	مردان	زنان
جهان*	۷۸/۹	۵۲/۵	۶/۱	۶/۶
کشورهای توسعه یافته و اتحادیه ی اروپا*	۶۸/۵	۵۲/۶	۶/۱	۶/۷
خاور میانه*	۷۸/۲	۳۲/۵	۱۰/۵	۱۶/۳
ایران**	۶۵/۶	۱۲/۴	۱۰/۸	۲۳/۳

منبع: منبع: * سازمان بین المللی کار [۱۹]، ** مرکز آمار ایران

نتیجه ی بحث این است که عدم تعادل جنسیتی در بازار کار به شدت از هنجارها، نگرش ها، ساختارها، نهادها و قوانین تأثیر می پذیرد و تا زمانی که تغییر توسعه ای در آنها صورت نگیرد، این نابرابری به قوت خود باقی خواهد ماند. علاوه بر شکاف زیاد میان میزان مشارکت زنان و مردان، در بازار کار ایران تبعیض های عمودی ناشی از تجزیه شدن بازار کار و تبعیض های افقی به وضوح مشاهده می شود که در مبحث بعدی بدان پرداخته می شود.

۵- تبعیض شغلی عمودی در بازار کار ایران

نظریه ی نئوکلاسیک مبتنی بر این است که درآمد زنان به این علت از مردان کمتر است که زنان از سرمایه ی انسانی - آموزش و سطح سواد - کمتری بهره مند هستند. جدول ۶ توزیع جمعیت بیکار و شاغل را به تفکیک سطوح تحصیلی در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد. داده های جدول بیانگر این است که میزان بیکاری زنان با تحصیلات عالی در مقایسه با مردان خیلی بالا است در حالی که تنها ۶/۸۵ از مردان با تحصیلات عالی بیکار هستند این نسبت برای زنان با تحصیلات عالی ۸۳/۲۸ درصد است. این امر حاکی از این است که در حالی که ۱۲/۹۷ درصد از شاغلین مرد دارای تحصیلات عالی هستند و علی رغم این که در سال های اخیر دسترسی زنان به آموزش عالی زیاد شده، میزان بیکاری زنان با

تحصیلات عالی بسیار بالاتر از مردان این گروه است. علاوه بر دسترسی محدود زنان به فرصت‌های شغلی، درآمد زنان حتی در سطوح تحصیلی برابر با مردان به مراتب کمتر است [۹].

جدول ۶- درصد جمعیت شاغل و بیکار برحسب سطوح تحصیلی و جنس در سال ۱۳۸۵

سطوح تحصیلی	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	پیش‌دانشگاهی	عالی	سوادآموزی بزرگسالان	سایر	بی‌سواد
مردان	بیکار ۸/۴۶	۱۲/۵۸	۱۱/۱۴	۲۵/۸۶	۶/۸۵	۴/۲۹	۹/۵۸	۸/۱۵
شاغل	۹۱/۵۴	۸۷/۴۲	۸۵/۸۹	۷۴/۱۴	۹۳/۱۵	۹۵/۷۱	۹۰/۴۲	۹۱/۸۵
زنان	بیکار ۷۸/۷۳	۷۰/۴۲	۶۵/۱۲	۵۱/۳۸	۸۳/۲۸	۹۰/۱۵	۷۱/۸۳	۸۹/۷۳
شاغل	۲۱/۲۷	۲۹/۵۸	۳۴/۸۸	۴۸/۶۲	۱۶/۷۲	۹/۸۵	۲۸/۱۷	۱۰/۲۷

منبع: مرکز آمار ایران

این یافته‌ها بیانگر این است که نابرابری جنسی در دست‌یابی به بازار کار نمی‌تواند به سطح تحصیلات و یا سرمایه‌ی انسانی ارتباط داده شود. تبعیض در ایران با توجه به این که بیکاری زنان تحصیل کرده خیلی زیاد است و تفاوت زیادی با مردان دارد، با نظریه‌ی تجزیه شدن بازار کار و بازار کار دوگانه برای زنان و مردان بیش‌تر هم‌خوانی دارد.

۶- تبعیض افقی: محدودیت شغلی زنان

در بسیاری از کشورها هنجارهای اجتماعی قویاً بر کار زنان و مردان در محیط کار تأثیر می‌گذارد. این هنجارها مبنای تقسیم کار جنسیتی قرار می‌گیرد و برخی کارها و مشاغل را مناسب مردان و زنان تشخیص می‌دهد و زنان در مشاغل خاصی نظیر معلمی، یا پرستاری که با وظایف خانگی آنان سازگار است یا در صنایع کاربر در بخش صادرات که نیازمند تکرار کار و مهارت در به‌کارگیری دست‌ها است، تمرکز دارند [۲۵]. اطلاعات سرشماری ۱۳۸۵ ایران نیز مؤید محدودیت تنوع شغلی زنان و تمرکز آنها در چند حوزه‌ی محدود را نشان می‌دهد.

بخش‌های عمده‌ی اشتغال زنان شامل کشاورزی، آموزش، صنعت که عمدتاً شامل قالی‌بافی می‌باشد و بهداشت و مددکاری اجتماعی است. که در سال ۱۳۸۵، ۶۶۵۷۱۴ نفر

۲۳/۹۳ درصد) در بخش آموزش، ۶۵۱۲۸۱ نفر (۲۳/۴۱ درصد) در بخش صنعت، ۴۰۱۴۲۲ نفر (۱۴/۴۳ درصد) در بخش کشاورزی، ۲۴۶۲۹۵ نفر (۸/۸۵ درصد) در بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی و ۲۹/۳۷ درصد در سایر بخش‌ها مشغول بوده‌اند. در حالی که تنها ۳۹/۶۰ درصد از مردان شاغل، در این چهار بخش مشغول هستند که ۶۸۹۲۴۵ نفر (۳/۸۹ درصد) در بخش آموزش، ۲۸۳۳۹۱۰ نفر (۱۶/۰۱ درصد) در بخش صنعت، ۳۲۱۰۳۵۹ نفر (۱۸/۱۴ درصد) در بخش کشاورزی، ۲۷۴۵۴۳ نفر (۱/۵۵ درصد) در بخش بهداشت و مددکاری اجتماعی و ۶۰/۴۰ درصد از آن‌ها در سایر بخش‌ها فعالیت دارند. این آمار تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان مردان و زنان در دو بخش آموزش و بهداشت و مددکاری اجتماعی را نشان می‌دهد. تمرکز بیش‌تر زنان شاغل در بخش‌های آموزش و بهداشت مؤید نظریه‌های جنسیتی است که به جذب زنان در مشاغل زنانه که نزدیکی زیادی با نقش‌های خانگی آنان دارد، تأکید می‌کند.

۶- تفاوت در ساختار بیکاری زنان شهری و روستایی

علاوه بر تفاوت در دسترسی به بازار کار میان زنان و مردان، گروه‌های مختلف زنان نیز در دسترسی به فرصت‌های شغلی و یا امتیازات نیز با هم تفاوت دارند. این تفاوت بر حسب منطقه‌ی مسکونی، قابل ملاحظه است.

بازار کار در مناطق شهری و روستایی تفاوت‌های نسبتاً زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها در بین نرخ‌های مشارکت و بیکاری قابل مشاهده می‌باشد. جدول ۷ وضعیت بازار کار در مناطق شهری و روستایی را به تفکیک جنس نشان می‌دهد.

جدول ۷- وضعیت بازار کار در مناطق شهری و روستایی به تفکیک جنس در سال ۱۳۸۵

شرح	نرخ مشارکت اقتصادی			نرخ بیکاری		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
کل	۳۹/۴	۳۸/۸	۶۸/۸	۱۲/۷	۱۱/۸	۱۲/۹
مرد	۶۵/۶	۶۴/۲	۶۸/۸	۱۰/۸	۹/۸	۱۲/۹
زن	۱۲/۴	۱۲/۵	۱۲/۲	۲۳/۳	۲۲/۵	۲۵/۳

منبع: مرکز آمار ایران

ساختار تحصیلی زنان شهری و روستایی با یکدیگر متفاوت است. زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند. این عامل باعث شده ساختار کار زنان شهری و روستایی دو مقوله‌ی مجزا باشد. زنان شهری عمدتاً در بازار کار رسمی و با درآمدهای مشخص مشغول فعالیت بوده و کار آن‌ها همراه با انباشت سرمایه‌ی انسانی بیش‌تر است. در حالی که بازار کار زنان روستایی به‌صورت خانوادگی و غیر رسمی بوده و ارتقای مهارت‌های آنان در مقایسه با زنان شهری به دلایل مختلف کمتر می‌باشد. در ارائه‌ی تصویری از بیکاری زنان، مشاهده می‌شود که نرخ بیکاری زنان در مناطق روستایی بالاتر از نرخ بیکاری زنان شهری است. این نرخ در مناطق شهری ۲۲/۵ درصد و در مناطق روستایی ۲۵/۳ درصد است. با ملاحظه‌ی جدول ۲ که توزیع شاغلین ۱۰ ساله و بیش‌تر کشور بر حسب سه بخش عمده‌ی فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد بهتر به ساختار شغلی شهری و روستایی پی می‌بریم. به‌طور کلی ساختار اقتصادی در دو حوزه متفاوت است. اگر بخواهیم بر مبنای فعالیت‌های مدرن و سنتی ساختار اقتصاد را تحلیل کنیم بخش روستایی ایران از زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی در مقایسه با بخش شهری رنج می‌برد. طبیعتاً فعالیت‌های خدماتی کمتری در آن گسترش یافته است. حجم تقاضا در این مناطق محدود بوده و کمتر انسجام و هم‌گونی مراکز رشد را تداعی می‌کند. برعکس بخش اقتصاد شهری به قطب‌های رشد تبدیل شده‌اند و سودآوری فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در آن‌ها بالاتر می‌باشد و روز به روز مشاغل خدماتی بیش‌تری در آن شکل

گرفته است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۸۵ در منطقه‌ی شهری ۶۱/۶۱ درصد از مشاغل را بخش خدمات و ۳۳/۵۷ درصد را بخش صنعت به خود اختصاص داده است، در حالی که در بخش روستایی ۲۵/۵۲ درصد در بخش خدمات و ۲۷/۶۳ درصد در بخش صنعت است [۱۱]. نتیجه این که مکانیزه شدن فعالیت‌های تولیدی، ماشینی شدن زندگی و ایجاد فرصت‌های شغلی و بخش خدمات و صنعتی بیش‌تر در بخش شهری، باعث تفاوت میزان بیکاری زنان در دو منطقه‌ی شهری و روستایی شده است.

۷- نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی و اجتماعی ایجادشده در کشور نقش عمده‌ای در میزان مشارکت زنان ایفا کرده است. میزان‌های مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵ تغییرات قابل توجهی داشته است. این میزان با یک روند کاهشی از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۸/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته سپس با یک روند افزایشی به حدود ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. کاهش میزان فعالیت اقتصادی زنان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ به دلیل محدودیت میزان اشتغال کل جمعیت و حذف زنان در برخی مشاغل بوده است [۷]. این امر در سال‌های ۱۳۷۰ به بعد تا حدودی تعدیل شده، با این حال در سال ۱۳۸۵ نیز میزان مشارکت زنان هنوز به سطح سال ۱۳۵۵ نرسیده است. در جریان انتقال نیروی کار زنان بین بخش‌های اقتصادی و تطبیق آنان با شرایط توسعه‌ی صنعتی، تغییراتی در میزان مشارکت زنان جامعه مشاهده می‌شود. این دگرگونی‌ها تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و افزایش تحصیلات زنان، تغییر در ساختار اقتصادی و صنعتی، تغییرات جمعیتی و ... بوده است. در ایران در دو دهه‌ی اخیر میزان سواد زنان افزایش یافته است با این حال متفاوت با سایر کشورها، از جمله کشورهای پیشرفته که افزایش سطح سواد و آموزش زنان، زمینه‌ی مشارکت اقتصادی آنان را فراهم کرده، در ایران علی‌رغم پیشرفت‌های که زنان به آن‌ها نائل شده‌اند، هنوز هم دسترسی محدودی به فرصت‌های شغلی دارند و به شیوه‌های پنهان و آشکار، زنان با تبعیض و نابرابری در زمینه‌های مختلف مواجه هستند. مقایسه‌ای که بین میزان مشارکت زنان و مردان در ایران با خاور میانه، کشورهای پیشرفته و سطح جهانی

انجام گرفت، نشان داد که از لحاظ میزان مشارکت زنان و مردان، ایران تقریباً وضعیتی مشابه با خاور میانه دارد و با سطح جهانی و کشورهای پیشرفته تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. البته در تمام مناطق، میزان مشارکت مردان بیش از زنان بوده، با این حال در خاور میانه و ایران شکاف جنسیتی شدیدتر می‌باشد. مبتنی بر یافته‌های این مطالعه، بازار کار ایران از جهت میزان مشارکت، میزان بیکاری، تنوع شغلی و سطوح عمودی اشتغال، دچار عدم تعادل جنسیتی به نفع مردان است. برآوردها بیانگر وجود تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نرخ مشارکت و بیکاری زنان و مردان است. در تمام سال‌های سرشماری، نرخ مشارکت مردان به‌طور محسوسی بالاتر از زنان بوده است. در سال ۱۳۸۵ در مقابل ۱۲/۴ درصد میزان مشارکت زنان، این میزان برای مردان ۶۵/۶ درصد است. همچنین میزان بیکاری زنان با تحصیلات عالی بسیار بالاتر از مردان است. در صورت ادامه‌ی روند افزایش تقاضای زنان برای ورود به آموزش عالی و افزایش تعداد زنان دارای تحصیلات عالی و عدم ایجاد اشتغال برای این تعداد، نرخ بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی همچنان افزایش یافته و به عدم تعادل‌ها از لحاظ جنسیتی بیش‌تر دامن زده می‌شود.

علاوه بر تفاوت در دسترسی به بازار کار میان زنان و مردان، بازار کار در مناطق شهری و روستایی تفاوت‌های نسبتاً زیادی با یکدیگر دارند. نرخ بیکاری زنان در مناطق روستایی بالاتر از نرخ بیکاری زنان شهری است. به نظر می‌رسد این تفاوت ناشی از مکانیزه شدن فعالیت‌های تولیدی، ماشینی شدن زندگی در بخش شهری و مدرن و ایجاد فرصت‌های شغلی و بخش خدمات و صنعت است.

طرفداران نظریه‌ی نئوکلاسیک سعی کرده‌اند تفاوت دسترسی مردان و زنان به بازار کار را به سرمایه‌ی انسانی کمتر زنان - آموزش و پرورش و آموزش فنی و حرفه‌ای - نسبت دهند. اما در سال‌های اخیر در ایران دسترسی زنان به آموزش عالی زیاد شده در حالی که میزان بیکاری زنان با تحصیلات عالی، بسیار بالاتر از مردان است. از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که دسترسی محدود زنان به فرصت‌های شغلی و وجود تبعیض شغلی در بازار کار ایران را نمی‌توان به سرمایه‌ی انسانی کمتر آنان نسبت داد و در واقع باید گفت که وضعیت مذکور می‌تواند ناشی از تجزیه شدن بازار کار باشد. از طرفی بخش‌های عمده‌ی اشتغال زنان شامل کشاورزی، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی

و صنعت - عمدتاً قالی بافی - است. محدودیت تنوع شغلی و تمرکز بیش تر زنان شاغل در این بخش‌ها مؤید نظریه‌های جنسیتی است که بر اختصاص و اشتغال زنان در نقش‌های زنانه توجه دارد. مطالعات مختلف بیانگر این است که اختلاف زیاد نرخ مشارکت به تفکیک جنسیت و تبعیض‌های افقی و عمودی از بستر اجتماعی، اقتصادی و هنجارهای حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد. از این رو تغییر هنجارها و ایجاد بستر مناسب به منظور رفع و کاهش نابرابری‌های جنسی اهمیت زیادی می‌یابد. با توجه به این که توسعه نیز درون بستر نهادی و اقتصادی که به وسیله‌ی رسوم و هنجارهای اجتماعی و کدهای ضمنی و آشکاری از رفتارها شکل گرفته، رخ داده است [۲۷]، می‌توان گفت هنجارها و رسوم اجتماعی تغییرناپذیر نیستند. در سرتاسر تاریخ شواهدی وجود دارد که هنجارها در حال تغییر هستند. از این رو لازم است به منظور تغییر جهت به سمت تعادل جنسیتی در بازار کار یک تغییر اساسی در هنجارها، نگرش‌ها، ساختارها و قوانین صورت گیرد. همچنین سیاست‌های دولت می‌تواند از طریق مبنا قرار دادن « بهره‌وری » برای استخدام و دستمزد، بیش از جنسیت، نژاد، سن و ... نیروی محرک را به منظور ترفیع کارایی و تعادل جنسی فراهم کند.

یکی از عوامل دیگری که در ایجاد فرصت‌های شغلی بیش تر برای زنان تأثیر مثبت دارد، افزایش بیش تر تولید ناخالص داخلی و افزایش سرمایه‌گذاری است. با رشد تولید ناخالص داخلی و ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی، زنان از فعالیت‌های خانگی به سمت فعالیت‌های بیرون از منزل سوق داده می‌شوند. بنا بر این، اجرای سیاست‌هایی که به افزایش تولید ناخالص داخلی و حجم سرمایه‌گذاری منجر شود از ضروریات افزایش اشتغال زنان است. با رشد تولید ناخالص داخلی میزان اشتغال در کل و به تبع آن، میزان اشتغال زنان افزایش می‌یابد.

سپاس‌گزاری

از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر محمد میرزایی به جهت هم‌فکری و راهنمایی‌های ارزشمند ایشان در طول انجام این پژوهش تشکر و قدردانی می‌گردد.

مرجع‌ها

- [۱] امینی، علیرضا (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان ایران، مجله‌ی پژوهش زنان، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، صص ۱۱۳-۱۳۲.
- [۲] ساروخانی، باقر؛ رفعت جاه، مریم (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در باز تعریف هویت اجتماعی زنان. فصل‌نامه‌ی پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، شماره‌ی ۱، صص ۷۱-۹۳.
- [۳] شادی طلب، ژاله؛ کمالی، افسانه (۱۳۸۱). مشارکت اجتماعی زنان. فصل‌نامه‌ی پژوهش زنان، شماره‌ی ۴، صص ۲۶-۵۲.
- [۴] عباسی شوازی، محمد جلال؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران. نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۵، صص ۲۵-۷۵.
- [۵] فراستخواه، مقصود (۱۳۸۳). زنان، آموزش عالی و بازار کار. مجله‌ی پژوهش زنان، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، صص ۱۴۷-۱۶۳.
- [۶] کار، مهرانگیز (۱۳۷۹). زنان در بازار کار ایران. چاپ دوم. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- [۷] کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۵). تحولات اخیر و آینده‌ی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران با تأکید بر وضعیت اشتغال زنان. نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره‌ی ۱، صص ۲۰-۴۲.
- [۸] کشاورز (۱۳۷۶). حریم حساس اشتغال زنان. فرهنگ توسعه، سال ششم، ویژه‌نامه‌ی زنان.
- [۹] مجتبی‌وی، آذرمیدخت (۱۳۷۵). تأثیر نگرش مدیران در ارتقای شغلی زنان به سطوح عالی مدیریت. دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- [۱۰] محمودیان، حسین (۱۳۸۱). تفاوت روستا-شهری مشارکت زنان در نیروی کار در دوره‌ی ۷۵-۱۳۵۵. مجموعه مقالات تحولات اخیر و آینده‌ی جمعیت ایران، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، صص ۳۹۷-۴۱۶.
- [۱۱] مرکز آمار ایران (۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
- [۱۲] نوروزی، لادن (۱۳۸۳). تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی. مجله‌ی پژوهش زنان، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، صص ۱۶۵-۱۷۸.
- [۱۳] وزارت کار و امور اجتماعی دفتر امور شوراها و مجامع (۱۳۸۶). نگاهی اجمالی به وضعیت اشتغال زنان روستایی. وزارت کار و امور اجتماعی، تهران.
- [14] Aghajanian, A.; Mehryar, A.M. (1999). Fertility Transition in the Islamic

- Republic of Iran: 1976-1996. *Asia- Pacific Population Journal*, **14**, 3-42.
- [15] Fischlmayr, I.C. (2002). Female Self-Perception as Barrier to International Careers? *International Journal of Human Resource Management*, **13**, 773-783.
- [16] Gender Equity Committee (2001). Executive Summary the Gender Equity Report, Almanac Supplement 4, www.upenn.edu/almanac.
- [17] Goldin, C. (1994). The U-shaped Female Labor Force Function in Economic Development and Economic History, University of Chicago Press, Chicago.
- [18] Goodman, J.S.; Fields, D.L.; Blum, T.C. (2003). Cracks in the Glass Ceiling: In What Kinds of Organizations Do Women make it to the Top? *Group Organization Management*, **28**, 475-501.
- [19] ILO (2006). The Key Indicators of the Labour Market, <http://www.ilo.org/trend>.
- [20] Holst, E. (2003). Too Few Women in Top Posts. *Economic Bulletin*, **40**, 65.
- [21] McDonald, P. (2000). Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility, *Journal of Population Research*, **17**.
- [22] Oakley, J.G. (2000). Gender-based barriers to senior management positions: understanding the scarcity of female CEOs, *Journal of Business Ethics*, **27** (4):321-34.
- [23] OECD (Organization for Economic Cooperation and Development) (2006). Enhancing Women's Market Access and Promoting Pro-poor Growth, in: Promoting Pro-Poor Growth Private Sector Development, *Chapter 5*.
- [24] Plan and Budget Organization. (1999). Human Development Report of the Islamic Republic of Iran. Plan and Budget Organization, Tehran.
- [25] United Nations, United Nations Economic and Social Commission for Asia and Pacific. (1997). Employment for Women Gender Issues in Employment Policy, *Social Development Newsletter* 36.
- [26] WISTAT (2000). The World's Women 2000: Trends and Statistics, United Nations.
- [27] World Bank (2001). Engendering Development through Gender Equality in Rights, Resources and Voice. Oxford University Press, Washington DC.

حجیه بی بی رازقی نصرآباد

دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جمعیت‌شناسی

پيام‌نگار: hrnragehi@yahoo.com

محمدرضا کارگر شورکی

فوق لیسنس اقتصاد

تهران، خیابان آزادی، نرسیده به خیابان بهبودی، وزارت کار و امور اجتماعی.

پیام‌نگار: rkaregar@gmail.com